

سال‌هاست تکرار می‌شود بی‌آنکه تاکنون راهکار مناسبی برای جلوگیری از تخلفاتی از این دست در پیش گرفته شود. او در ادامه از نظارت‌های برون‌سیستمی که خارج از دولت انجام می‌شود، می‌گوید در صدر این نظارت‌ها، نظارت رسانه‌ها و احزاب قرار می‌گیرد. تحلیل او این‌گونه است: «دسترسی به اطلاعات در دولت‌های نهم و دهم به شدت محرمانه شد. در حالی که همین آمار به نهادهایی بین‌المللی چون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی قابل آرایه بود و تنها متخصصان داخلی که با تحلیل‌های خود می‌توانستند از وقوع چنین اتفاقاتی در اقتصاد جلوگیری کنند، نامحرم شناخته شدند. احزاب و رسانه‌ها نیز به این آمار دسترسی نداشتند تا به تحلیل آنها بپردازند.» او راست می‌گوید، بسیاری از آمارها یا اعلام نشدند یا اینکه به جای آمارهای واقعی، آمارهای غیرواقعی نشان‌دهنده آمار رشد اقتصادی و خط فقر و بسیاری دیگر اعلام شوند و شاخص‌های دیگری مانند میزان سرمایه‌گذاری‌های خارجی و ضرب جینی، آمارهایی هستند که اغلب کارشناسان آنها را غیرواقعی می‌پندارند. راغفر در ادامه فساد را این‌گونه تعریف می‌کند: «فساد مساوی است با انحصار به اضافه صلاح‌دید منهای پاسخگویی. یعنی همه چیز توسط یک فرد یا یک نهاد تعیین شود و بگوید مصلحت این است. هر جا که این اتفاق افتاد بی‌شک باید منتظر وقوع فساد، اختلاس و تخلفات دیگر باشیم، زیرا فساد پدیده عجیب‌وغریبی نیست و در فرآیند مخفی‌کاری اتفاق می‌افتد.»

سلطانی: اقتصاد دولتی رانت‌زا است.

پدرام سلطانی، نایب رییس چهارم اتاق بازرگانی ایران دیگر کارشناسی است که در گفت‌وگو با «شرق» پدیده اختلاس را تحلیل می‌کند.

او می‌گوید: «اختلاس، ارتشا، فساد اداری و عدم شفافیت در یک ردیف قرار می‌گیرند و در دو سطح طبقه‌بندی می‌شوند؛ تخلفات خرد و تخلفات کلان. اختلاس یا ارتشا در سطح کارمندان پایینی یا میانی سازمان‌ها از جمله تخلفات فرد است که اغلب با مبالغ کم انجام می‌شود. مهم‌ترین دلایل این رخداد، نارضایتی کارمندان از عدم تناسب درآمدشان با سطح هزینه‌هاست، اما در سطح کلان ردپای مدیران تراز بالا و ارشد مشاهده می‌شود.»

سلطانی، نخستین عامل و زمینه‌ساز این اختلاس‌ها را وجود رانت در یک اقتصاد می‌داند: «میزان رانت، ارتباط مستقیمی با دولتی‌بودن اقتصاد یک کشور دارد. به این معنا که هرچه اندازه یک دولت کوچک‌تر و حضور و تصدی‌گری آن در نظام اقتصادی کمتر باشد، تعداد فرصت‌های رانت‌زا در آن کشور کمتر خواهد بود. عکس این مساله نیز صادق است.»

این موضوع به ویژه در بخش‌هایی از نظام اقتصادی که ارتباط نزدیک‌تری با فعالیت‌های مالی دارند، محتمل‌تر است. نمونه بارز آن بانک‌ها، بیمه‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری دولتی و شرکت‌هایی با گردش مالی بالا مثل نفتی‌ها هستند. در واقع، مدیران سازمان‌های اقتصادی دولتی به دلیل اینکه احساس مالکیت و انتفاع متناسب مادی از آن دستگاه نمی‌کنند، در صورتی که وجدان و اخلاق کاری آنان در سطح مناسبی نباشد، ممکن است از فرصت‌ها و اختیارات موجود به نفع خود استفاده کنند.»

او نیز مانند راغفر، نظام‌های کنترلی و مکانیسم‌های بازرسی را در وقوع چنین پدیده‌ای موثر می‌داند: «اگر مکانیسم‌های کنترلی و نظارتی کارآمد و متناسب با فرآیند عملیات و حجم و نوع فعالیت آن سازمان نباشند، احتمال بروز تخلفات و پوشیده ماندن آنها افزایش می‌یابد.»

و باز هم سلطانی مانند راغفر معتقد است: «میزان استقلال بخش اقتصادی از بخش سیاسی از نکات مهم دیگری است که در این زمینه باید به آن توجه شود. به این معنا که هرچه مدیران سیاسی، امکان نفوذ و اعمال نظر بر تصمیم‌گیری‌ها در بدنه اقتصادی کشور را داشته باشند، می‌توانند از این ابزار در مسیر تقویت جایگاه و بسط قدرت خود استفاده کنند. کشورهای که بیشتر متکی بر بخش خصوصی و کوچک‌سازی دولت و شفافیت عملکرد دولت و سایر ارگان‌ها پیش رفته‌اند، تعداد تخلفات از نوع اختلاس، ارتشا و فساد اداری در آنها نسبت به سایر کشورها بیشتر کاهش یافته است.»

سلطانی، دلیل دیگری را نیز در وقوع چنین پدیده‌ای دخیل می‌داند و آن نحوه برخورد با متخلفان و کارآمدی و میزان اقتدار نظام بازرسی و قضایی آن کشورهاست. او معتقد است: «در اغلب موارد مشاهده می‌شود، موارد تخلف علنی‌شده و مدیران ارشد ذی‌ربط در صورت عدم دخالت مستقیم در تخلف رخ داده، با آرایه توضیح، عذرخواهی می‌کنند و حتی از سمت خود استعفا می‌دهند.»

بنابراین، این رخداد به منزله هشدار برای افرادی در مناصب مشابه تلقی خواهد شد. در نتیجه مدیرانی که از حساسیت لازم برخوردار نیستند، پایش می‌شوند.

روسای جمهور، نخست وزیران و... نیز از طی این روند مستثنی نیستند و آنان نیز مانند سایرین مورد سوال، استیضاح، بازرسی و مجازات قرار می‌گیرند. درحالی که در ایران، عکس این قضیه صادق است. برای نمونه اختلاسی که گفته می‌شود از سه سال قبل در جریان بوده، هیچ ارگانی وارد عمل نشده است.»

حقیقت‌شناس: دستگاه‌های نظارتی به دنبال رفع تکلیف هستند

هادی حقیقت‌شناس، کارشناس اقتصادی در بسیاری از نظرات در تشابه کامل با کارشناسان قبلی است. به گفته او عدم شفافیت در بالاترین سطوح نظام اقتصادی کشور است که از شکل‌گیری نظارت همگانی جلوگیری می‌کند. علاوه بر این، او معتقد است: «رخدادهایی از این دست، موجب می‌شود قبح عدم آرایه اطلاعات صحیح در کشور شکسته شود و از سوی دیگر حتی متخلفان خود را مکلف به یک عذرخواهی هم ندانند چه رسد به استعفا؛ چه بسا احتمال دارد متخلفان بعد از مدتی نیز ارتقا شغلی یابند.» حقیقت‌شناس که یکی از نمایندگان مجلس هفتم نیز بود، به نقش دستگاه‌های نظارتی و بازرسی اشاره می‌کند: «به نظر می‌رسد افکار عمومی به این باور رسیده‌اند که گزارش دستگاه‌های نظارتی مانند دیوان محاسبات، سازمان بازرسی کل کشور و کمیسیون‌های تحقیق و تفحص مجلس، صرفاً برای رفع مسوولیت اطلاع عموم می‌رسد. شاید اگر بخشی از گزارش‌های نهادهای بازرسی عملی می‌شد، دیگر شاهد چنین اتفاقی، آن هم در این سطح کلان نبودیم.» او در خلال گفته‌هایش به مطالبات معوق بانکی نیز گریز می‌زند که در نوع خود قابل‌تأمل است: «مدت‌هاست که مطالبات معوق شبکه بانکی به معضل بزرگی تبدیل شده با این حال تاکنون راه‌حل مناسبی برای آن اندیشیده نشده است. مسوولان نظام در این چند سال هر دم که توانستند از دانه‌درشت‌ها سخن گفتند و هیچ اقدامی برای وصول مطالبات معوق نکردند. اگر نظام بانکی و در راس آن، مسوولان ارشد نظام با بدهکاران شبکه بانکی و حتی مقصران به‌وجود آمدن مطالبات معوق - که بخشی از آنها همین مدیران فعلی نظام بانکی هستند- برخورد مناسبی می‌کرد شاید امروز شاهد اختلاس‌ها و تخلفاتی از این دست نبودیم.»

تقوی: این روزها افراد به دنبال رانت هستند. مهدی تقوی، اقتصاددان در گفت‌وگو با «شرق» نظرات به نسبت متفاوتی دارد که خواندن‌شان خالی از لطف نیست. او معتقد است: «نهادهای نظارتی برای نظارت بر هر ارگانی، ابتدا اقدام به نمونه‌گیری می‌کنند. در این بین باید دقت شود نمونه انتخابی معرف کل جامعه باشد تا بتوان آن را به کل جامعه تعمیم داد. بنابراین گفته می‌شود نتایج به‌دست آمده با ۹۵ درصد اطمینان درست است. بانک مرکزی و سایر نهادهای نظارتی نیز باید مانند سایر کشورها عمل کنند. اینکه چرا اختلاس سه‌هزارمیلیارد تومانی رخ داد، شاید به این نکته بازگردد که نمونه آماری آنها معرف کامل جامعه آنها نبوده یا اینکه شیوه کار آنها مطابق با شیوه‌های رایج در کشورهای پیشرفته نیست که چنین اتفاقی رخ داده است.» تقوی با گفتن آخرین جملات از موضعی خلاف سه کارشناس قبلی سخن می‌گوید: «در سایر کشورها نیز اختلاس انجام می‌شود، اما نسبت به ایران کمتر است. در وقوع چنین پدیده‌ای، نه بانک مرکزی را می‌توان مقصر دانست و نه رییس شعبه، بلکه شرایط امروز اقتصاد به گونه‌ای رقم خورده تا افراد به استفاده از رانت متمایل شوند و اخلاق حرفه‌ای را نیز به آسانی زیر پا بگذارند.»